

فصلنامه مطالعات سیاسی
سال نهم، شماره ۳۳، پاییز ۱۳۹۵
صفحات: ۵۷-۸۶
تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۵/۱۰؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۷/۲۰

نقش اتاق‌های فکر در سیاستگذاری خارجی ترکیه در قبال خاورمیانه با تاکید بر دوره حزب عدالت و توسعه

دکتر طاهره ابراهیمی فر* / حامد یعقوبی فر**

چکیده

چند دهه گذشته شاهد پیچیدگی هر چه بیشتر فرآیند تدوین و تصمیم‌سازی در عرصه سیاست خارجی بوده است. از این رو، شناخت دقیق مسائل و پدیدارهای متنوع منطقه ای و بین‌المللی در راستای سیاستگذاری خارجی مناسب، موثر می‌باشد. این موضوع بر اهمیت نقش و تاثیر نهادهایی که مسؤولیت ارائه پیشنهادها و نظریه‌های نظری سیاستگذاری خارجی را بر عهده دارند، می‌افزاید. در این راستا، اتاق‌های فکر فرصت مناسبی را در جهت تاثیر بر فرآیند سیاستگذاری خارجی کشورها فراهم نموده‌اند. ترکیه نیز به‌عنوان یکی از کشورهای مهم و تاثیرگذار در منطقه غرب آسیا، از ظرفیت اتاق‌های فکر در عرصه سیاستگذاری خارجی خود علی‌الخصوص در دوره پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه بهره برده است. اما این موضوع که تا چه میزان اتاق‌های فکر در سیاستگذاری خارجی این کشور، علی‌الخصوص در ارتباط با خاورمیانه تاثیرگذار بوده، نیازمند تحقیق و بررسی می‌باشد. لذا، مقاله حاضر در صدد پاسخگویی به این پرسش است که اتاق‌های فکر چه نقشی در سیاستگذاری خارجی ترکیه در قبال خاورمیانه ایفاء می‌نمایند؟ برای پاسخگویی به این پرسش، یافته‌های این مقاله که با روش اسنادی-کتابخانه‌ای و با استفاده از منابع معتبر فارسی و انگلیسی گردآوری شده است، مبین این مطلب است که اتاق‌های فکر در ترکیه اغلب به‌عنوان ابزاری در جهت توجیه سیاستگذاری خارجی این کشور در منطقه به فعالیت می‌پردازند.

کلیدواژه‌ها

اتاق‌های فکر، ترکیه، سیاستگذاری خارجی، حزب عدالت و توسعه، خاورمیانه، قیام‌های عربی.

tah.ebrahimifar@iauctb.ac.ir

* دانشیار علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
** دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۱. کلیات پژوهش

۱-۱. طرح مساله

نقش و خصوصیت تصمیم سازان بدون شک یکی از عوامل تاثیرگذار در روابط بین الملل است. سیاستمداران بیش از هر چیز تصمیم ساز هستند و به تبع آن بازیگران عرصه روابط بین الملل به شمار می روند. با این وجود، آن‌ها به نام دولت و در جهت منافع آن به ایفای نقش می پردازند (Tawfiq, 2010: 185). از سوی دیگر، با گسترش علم و دانش و نیز تخصصی شدن عرصه‌های علمی، نیاز به نوآوری فکری و همچنین افرادی که بتوانند افکار جدیدی به مجموعه مدیران و تصمیم گیران کشورها ارائه کنند، هر چه بیشتر احساس و نمایان می‌شود. این افراد کسانی هستند که در اتاق‌های فکر^۱، ایده‌های جدیدی تولید می کنند تا جامعه راهی تازه در عرصه‌های مختلف حیات خود بیمایند. البته اتاق‌های فکر با هدف ایجاد پلی میان قدرت و دانش تأسیس شدند و در واقع کانون‌های تفکر، ساختارهای مناسبی برای بکارگیری فکر، ایده و علم و دانش برای خدمت به قدرت و دیپلماسی و در نتیجه امنیت یک کشور هستند (آبلسون، ۱۳۸۴: ۴۹). در این چارچوب، مساله تاثیر اتاق‌های فکر و مراکز پژوهشی بر فرآیند تصمیم گیری سیاست خارجی موضوعی مهم در دو سطح داخلی و بین‌المللی به شمار می رود. این مساله به نوبه خود در نتیجه تحول روابط بین‌المللی دولت و سیاست خارجی از یک سو و ظهور موسسات بین‌المللی و بازیگران جدید در صحنه جهانی از سوی دیگر بوده است. اتاق‌های تفکر به‌عنوان حلقه مفقوده سیاستگذاری‌ها و تصمیم گیری‌های حکومتی و دولتی هستند، از این رو نخبگان اجرایی دریافته اند که به تنهایی قادر به درک و تحلیل تمامی فرصت‌ها و موقعیت‌های تصمیم و برنامه ریزی نیستند و باید افراد خبره و اندیشمند گرد آمده در اتاق‌های فکر که کارشان تحلیل اوضاع و احوال داخل و خارج کشور و نیز ایده‌های نو می باشد، در انجام امور یاری شان دهند. به ویژه اینکه، این موضوع در حوزه ای حیاتی همچون سیاست خارجی و امنیت ملی بیش از پیش اهمیت پیدا می‌کند. لذا، اتاق‌های فکر از طریق مطالعات و پژوهش‌های علمی به حل مسائل و مشکلات سیاستمداران می پردازند که از یک سو آنان را متوجه مسائل پیش رو می نمایند و از سوی دیگر آنان را در اتخاذ تصمیمات بهینه یاری می رسانند. در واقع اتاق‌های فکر، نهادهای پشت پرده ای بوده اند که در کل فرآیند تصمیم سازی و تصمیم گیری مدیران و رهبران (قبل از وقوع مساله، در حین مواجهه، زمان خلق گزینه‌ها و

1. Think Tanks

راهکارها، زمان تصمیم‌گیری‌ها و بعد از آن در برخورد با پیامدها)، آنان را همراهی می‌نمایند (افتخاری، ۱۳۸۴: ۱۹). بر این اساس، در طول چند دهه گذشته اتاق‌های فکر در بسیاری از کشورها، تاثیر قابل ملاحظه‌ای بر فرآیند سیاست خارجی و دیپلماسی امنیتی و تعیین ترجیحات فرامرزی دولت‌های خود بر جای گذاشته‌اند. در کشورهایی که از یک نظام متکثر برخوردارند، زمینه برای نقش‌آفرینی مراکز مذکور در جریان سیاست خارجی بیشتر فراهم بوده است. در این کشورها بر خلاف نظام‌های اقتدارگرا، صلاحیت تصمیم‌گیری در مورد مسائل سیاست خارجی تنها در اختیار گروه معدودی از افراد نیست، بلکه شمار وسیع‌تری از نیروها و نهادهای سیاسی-اجتماعی امکان ابراز و اعمال نظر در تصمیمات این حوزه را دارند. طبیعتاً در چنین جوامعی، اتاق‌های فکر نیز بستر مساعدتری برای نقش‌آفرینی در امور سیاست خارجی پیدا می‌کنند. باید به این واقعیت توجه داشت که پیچیده‌تر شدن سیاست خارجی و پدیداری طیف وسیع‌تری از موضوعات بین‌المللی که بنا بر ماهیت می‌تواند فرصت‌ساز یا تهدیدزا باشند، نیاز به بهره‌گیری از عنصر تخصص جهت اتخاذ تصمیمات مناسب و مؤثر در حوزه سیاست خارجی را بیش از گذشته افزایش داده است (حسینی، ۱۳۸۷: ۱۵). در بررسی عرصه سیاستگذاری خارجی نوین ترکیه، صحبت از تقسیم‌بندی گزینه‌های استراتژیک آنکارا به غرب‌گرایی و اسلام‌گرایی، باعث بروز نوعی ابهام در درک ماهیت استراتژی سیاست خارجی این کشور می‌شود. البته این ابهام قابل فهم است، چرا که از طرفی از سال ۱۹۲۴ تا ۱۹۸۰ دولت‌های مختلف ترکیه کاملاً به سوی غرب متمایل بودند و از طرف دیگر، امروز نیز حزب عدالت و توسعه^۱ که از سال ۲۰۰۲ روی کار آمده است، دارای ریشه‌های اسلامی بوده و به‌طور متوالی پیروز عرصه‌های انتخاباتی ترکیه بوده است. با چنین ابهامی در ماهیت سیاستگذاری خارجی ترکیه، ظهور اتاق‌های فکر و پژوهشگران وابسته به آنها به تناسب حضور فزاینده خود در عرصه سیاستگذاری خارجی این کشور، می‌توانند دارای تاثیر معناداری باشند. افزون بر این، دانش اجتماعی علمی حول محور پیدایش تاثیرات اتاق‌های فکر در ترکیه به حد کفایت تولید نشده است. از سوی دیگر، این سوال مطرح است که چه عامل یا عواملی سبب رشد استثنایی و حضور روز افزون اتاق‌های فکر به طور مشخص در دهه اخیر در این کشور شده است؟ آیا این امر تنها به خاطر سیاست خارجی فعالانه ترکیه است که به منظور ارائه الگو در سطح خاورمیانه و همچنین نقش‌آفرینی به‌عنوان قدرتی منطقه‌ای صورت می‌پذیرد یا دلایل عمیق‌تری برای

1. Justice and Development Party

این مساله وجود دارد؟ آیا اتاق‌های فکر و محققان وابسته به آن‌ها به تناسب افزایش حضورشان بر سیاست ترکیه تاثیرگذار بوده اند و یا در اهمیت و نقش آن‌ها بزرگ نمایی شده است؟ از این رو، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سوال اصلی است که اتاق‌های فکر چه نقشی در سیاستگذاری خارجی ترکیه، به خصوص در قبال خاورمیانه ایفاء می نمایند؟ بر این اساس، پژوهش حاضر بر این فرض استوار است که علی رغم رشد اتاق‌های فکر در سال‌های اخیر در ترکیه، تاثیرگذاری آن‌ها بر سیاستگذاری خارجی این کشور اندک و اغلب در جهت توجیه سیاست خارجی در قبال تحولات اخیر خاورمیانه بوده است.

۲. بررسی ادبیات پژوهش

۲-۱. چیستی اتاق فکر

اتاق‌های فکر سازمان‌های همگرایی و تحلیل پژوهش‌های مربوط به سیاستگذاری عمومی هستند که تحقیقات معطوف به سیاستگذاری تولید می کنند و در حوزه‌های داخلی و خارجی به تصمیم سازان مشورت ارائه می دهند. این نهادها به سیاستگذاران و دولت در تصمیم سازی آگاهانه درباره سیاست‌های عمومی یاری می رسانند. اتاق‌های فکر ممکن است به صورت مراکز وابسته یا مستقلی باشند که با ساختاری دائمی و نه مقطعی ساختار بندی شده اند (McGann, 2015: 5). همچنین اتاق‌های فکر به عنوان «مراکز انجام دهنده مطالعات و پژوهش‌های معطوف به سیاستگذاری، شامل مشورت و توصیه در حوزه‌های مشخص داخلی و بین‌المللی با هدف توانمندسازی سیاستگذاران حوزه سیاست خارجی برای تنظیم سیاست‌های مرتبط با معضلات سیاست عمومی» تعریف شده است. افزون بر این، اتاق فکر محصول دانش و تجربه مراکز پژوهشی متخصص در مسائل علمی یا فکری مشخصی است که در پی توسعه و اعتلای سیاستگذاری و اتخاذ تصمیمات عقلانی و یا ساخت چشم اندازهای آتی جامعه و دولت است. همچنین، اتاق‌های فکر به عنوان مراکزی که به «گردآوری و سازمان دهی پژوهشگران خبره که توانایی مشارکت در پژوهش‌های عمیق و گسترده به منظور ارائه مشورت یا سناریوهای آینده نگر که به تصمیم گیران در جهت اتخاذ یا اصلاح سیاست‌ها بر پایه این طرح‌ها در حوزه‌های مختلف یاری می رسانند» اطلاق می شود (Ardwai, 2013: 2).

از این رو، اتاق‌های فکر مفهومی به هم پیوسته و جهانی هستند و از طریق پر کردن خلاء میان شهروندان و دولت‌ها و همچنین نقش آفرینی در شبکه‌های منطقه ای و جهانی، این مراکز

بدل به جزئی جدایی ناپذیر در فرآیند سیاستگذاری در تمام کشورها شده اند (McGann, 2015: 8). تلاش‌هایی به منظور تفکیک تعریف و وظایف اتاق‌های فکر از مراکز پژوهشی و مطالعاتی انجام گرفته است. به این ترتیب که مراکز پژوهشی و مطالعاتی با هدف انجام تحقیقات دانشگاهی فعالیت نمی‌کنند و یا در طرح مطالعات به صورت بی طرفانه و بدون کانون توجه مشخص عمل نمی‌کنند. حال آنکه اتاق‌های فکر با همگرایی و همراهی با فرآیند تصمیم‌گیری سیاسی در صدد تحقق اهداف مشخص طبق راهبرد مشخص خود هستند. این موسسات عمدتاً به صورت پلی میان گروه‌های دانشگاهی و تصمیم‌گیر و همچنین میان دولت‌ها و جامعه مدنی عمل می‌کنند که به صورت جریان مستقل و همسو با منافع عامه مردم می‌توانند پژوهش‌های کلی و کاربردی را به زبانی که قابل فهم توسط عامه مردم و تصمیم‌گیران باشد، ارائه نمایند (آقاجانی، ۱۳۹۰: ۱۴۵).

۲-۲. ظهور و گسترش اتاق‌های فکر

انقلاب علمی به‌عنوان پیش‌درآمد انقلاب صنعتی، موجب ظهور و بروز مراکز تحقیقاتی و مطالعاتی شد. در ابتدای فعالیت، این مراکز به موسسات آموزشی و دانشگاهی وابسته بودند. این مراکز به‌عنوان پایه‌های راهبردی که پشتیبان پژوهش علمی و تعیین‌کننده جهت‌گیری اجتماعی در حوزه‌های مهم و حساس همسو با منافع آن جوامع بودند، عمل می‌کردند. بنابراین، چنین مراکزی «اتاق فکر» نام‌گذاری شدند. بر این اساس، اتاق‌های فکر نقش پشتیبانی تصمیم‌گیران در سطوح مختلف و منبع اساسی اطلاعات و توصیه خصوصاً در جوامع توسعه یافته را بر عهده دارند. تکرار مراکز پژوهشی و مطالعاتی موجب تنوع سلاقی و دیدگاه‌های متنوع است که ضامن حل مشکلات پیش‌روی جوامع و موسسات در تمامی سطوح می‌باشد (Jewarian, 2016: 3). همچنین می‌توان ظهور اتاق‌های فکر را در اثر وقوع رویدادهای تاثیرگذار در تاریخ یک کشور و یا به دنبال وقوع معضلات حاد ملی دانست. این معضلات به نوبه خود سبب حرکت به سوی یافتن بهترین راه حل سیاسی می‌شوند که عمدتاً این گونه راه حل‌ها از ایده‌های یک نفر یا گروهی از افراد که چشم انداز بلند مدت دارند، بر می‌خیزد (Baitencurt, 2005: 44).

پس از جنگ جهانی دوم و در پاسخ به افزایش فشارهای داخلی و بین‌المللی، موج دیگری از گسترش اتاق‌های فکر ایجاد شد که در این دوره سیاستمداران، همانند کسانی که نوعی رویکرد

بشردوستانه به مسائل داشتند، مزایای وجود مؤسسات تحقیقاتی مستقلی که توانایی پرداختن به تحقیقات استراتژیک بلند مدت را داشته و فاقد محدودیت‌های زمانی و مسؤولیت روزمره مقامات حکومتی بودند را به رسمیت شناختند. بر این اساس، واژه اتاق فکر برای اولین بار در اواخر دهه ۱۹۴۰، توسط آمریکایی‌ها مطرح و به تدریج وارد ادبیات علوم سیاسی و مدیریتی شد. موضوع تقویت توان دفاعی و مدیریت امنیت در نقاط مختلف جهان، در دوره جنگ جهانی دوم، نیاز به بهره‌گیری از نظرات متخصصان را بیش از پیش افزایش داد و لذا در بستر چنین احساس نیازی بود که مؤسساتی همچون «بنیاد رند»^۱ در سال ۱۹۴۷ تأسیس و به‌عنوان اتاق فکر به فعالیت پرداخت. از دهه ۱۹۷۰ به بعد نیز از واژه اتاق فکر برای نامیدن هر نوع مؤسسه تحقیقاتی که به پژوهش درباره مسائل متنوع فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مشغول بود، استفاده شد و از این دوره به بعد شاهد رشد این قبیل مراکز در دیگر کشورهای جهان هستیم (صالحی اصل، ۱۳۸۴: ۲۸).

بر این اساس، سیر تحول و تطور اتاق‌های فکر را می‌توان به پنج دوره تقسیم نمود:

– **مرحله اول:** شروع در سال ۱۹۱۰ (سالی که شاهد پیدایش اولین مراکز پژوهشی و مطالعاتی در ایالات متحده آمریکا بود) تا سال ۱۹۳۰ (دوره پس از جنگ جهانی اول)
تأسیس مؤسسه بنیاد کارنگی^۲ برای صلح جهانی در سال ۱۹۱۰ به منزله تأسیس اولین مؤسسه از این نوع و به شکل مدرن آن است. به دنبال این اتفاق سه مؤسسه دیگر نیز تأسیس شدند: مؤسسه بروکینگز^۳ در سال ۱۹۱۶، مؤسسه هوفر^۴ در سال ۱۹۱۸ و بنیاد قرن در سال ۱۹۱۹.

– **مرحله دوم:** بین سال‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۵۱

این مقطع شاهد بروز جنگ جهانی دوم و ظهور سازمان ملل متحد و سایر نهادهای بین‌المللی است. همچنین، تأسیس مؤسسه «آمریکن انترپرایز برای پژوهش سیاست عمومی»^۵ در سال

-
1. Rand Corporation
 2. Carnegie Endowment for International Peace Institute
 3. Brookings Institute
 4. Hoover Institute
 5. American Enterprise for Public Policy Research

نقش اتاق های فکر در سیاستگذاری خارجی ترکیه در قبال...

۱۹۴۳ از دیگر رخدادهای مهم این دوره است. متعاقب آن موسسه مطالعات خاورمیانه در آمریکا در سال ۱۹۴۸ تاسیس شد.

– **مرحله سوم:** اوائل دهه ۱۹۵۰ تا اواخر دهه ۱۹۶۰

این مرحله در سال ۱۹۵۱ آغاز می‌شود که در خلال آن ۹۱ درصد از مراکز پژوهشی در اروپا و آمریکا تاسیس می‌شوند. با ذکر این نکته که حدود ۵۸ درصد از این مراکز در دهه‌های هفتم و هشتم قرن بیستم تاسیس شدند. وقایع مهم این دوره از این قرار است: تاسیس موسسه بین‌المللی مطالعات راهبردی در سال ۱۹۵۸ در لندن، تاسیس مرکز پژوهشی حل مناقشات در دانشگاه میشیگان در سال ۱۹۵۹ و تاسیس موسسه پژوهش‌های صلح استکهلم در سال ۱۹۶۰ در سوئد.

– **مرحله چهارم:** از سال ۱۹۸۹ تا سال ۲۰۰۰

این مرحله از پایان جنگ سرد میان شوروی و آمریکا در سال ۱۹۸۹ آغاز می‌شود و تا سال ۲۰۰۰ که آغاز عصر جهانی شدن است امتداد می‌یابد.

تعریف	طبقه بندی اتاق‌های فکر
استقلال معنادار از گروه‌های ذینفع و خودمختار در فعالیت و کمک‌های مالی دولت	خودمختار و مستقل
مستقل از دولت، اما توسط گروهی ذینفع اداره و تامین مالی می‌شود که تاثیر معناداری بر فعالیت‌های آن دارد	شبه مستقل
بخشی از ساختار رسمی دولت	وابسته به دولت
به طور انحصاری توسط کمک‌های مالی دولت تامین می‌شود ولی بخشی از ساختار رسمی دولت نمی‌باشد	شبه دولتی
مرکز پژوهشی سیاستگذاری در دانشگاه‌ها	وابسته به دانشگاه
به طور رسمی به یک حزب سیاسی وابسته است	وابسته به حزب سیاسی
یک سازمان پژوهشی سیاستگذاری وابسته به موسسه ای خاص و انتفاعی	شرکت انتفاعی

– **مرحله پنجم:** مرحله پایانی که از سال ۲۰۰۰ شروع شده و تاکنون ادامه دارد.

در سال ۲۰۰۱ و بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر و در پی آن اعلان جنگ با تروریسم که به طور عمده معطوف به ملاحظات امنیتی ایالات متحده گردید، با این توجیه که معضلات امنیتی به علاوه مبارزه با تروریسم به مهم ترین دغدغه آمریکا بدل شد (Jewarian, 2016: 5-7).

افزون بر این، اتاق‌های فکر در بسیاری از نقاط جهان پراکنده هستند. بعضی از آن‌ها در مقیاس و مختصات محدود جغرافیایی خود کار می‌کنند، در حالی که بعضی دیگر در مقیاس فراملی و جهانی فعالیت می‌نمایند. همچنین، این مراکز عمدتاً به صورت مستقل یا کارگزار وابسته به دولت‌ها هستند. علاوه بر این، این مراکز می‌توانند مرتبط با اشخاص ذی نفوذ در درون دولت یا در بعضی موارد نماینده احزاب سیاسی هم باشند. جدول زیر نشان دهنده تنوع این مراکز است (Rich, 2011: 16):

۲-۳. اهمیت و نقش اتاق‌های فکر در فرآیند سیاستگذاری خارجی

با عنایت به کارویژه و ماهیت اتاق‌های فکر که هم‌افزایی و انباشت دانش و تجربه و نیز تجمع اهل علم و عمل خصیصه بارز آن‌ها می‌باشد، این مراکز از این قابلیت برخوردارند که بتوانند «داده‌های» موجود را به اطلاعات و یا «اطلاعات» پژوهشگران را به «دانش» تبدیل نمایند و دولتمردان نیز از این دانش تولیدی در فرآیند تدوین راهبرد سیاستگذاری خارجی، حداکثر بهره‌برداری را نمایند (امام جمعه‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۱۶). اتاق‌های فکر به طور مستقیم یا غیر مستقیم در ارائه اطلاعات، پژوهش‌ها و مطالعات حیاتی مرتبط با مسائل سیاستی به تصمیم‌گیران نقش ایفا می‌کنند. در این راستا، این مراکز با استفاده از تحقیقات خود بر فرآیند تصمیم‌گیری سیاست خارجی تاثیرگذار هستند. اتاق‌های فکر می‌کوشند تا مطالعات مرتبط با حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و تکنولوژیک عرضه نمایند. به‌طور مثال در ایالات متحده ۱۹۸۴ اتاق فکر وجود دارد که ۳۷۴ عدد از آن‌ها در پایتخت این کشور مستقر هستند و وظیفه آن‌ها ارائه گزارش‌ها و مطالعات در خصوص انتخاب‌ها و جایگزین‌های موجود برای تصمیم‌گیری در حوزه سیاست خارجی است (Kubba, 2015: 29). بر این اساس، اهمیت اتاق‌های فکر هنگامی بارزتر می‌شود که این مراکز را به‌عنوان ذخایر اطلاعاتی موثر و پویا در نگارش پژوهش‌ها و مطالعات در نظر بگیریم، خواه این مراکز مستقل و خواه مرتبط با یک دانشگاه یا مرکز خاص دیگری باشند. با در نظر گرفتن این مفهوم، سیاستگذار نیاز مبرم و حیاتی به اتخاذ تصمیمات صحیح و درست دارد که این به نوبه خود نیازمند اخذ اطلاعات دقیق و معتبر، جمع‌آوری داده و تهیه گزارش صحیح و جامع است.

در این چارچوب، فرآیند تصمیم‌گیری مبتنی بر قواعد و محاسبات عقلانی معطوف به نتیجه است، به این خاطر که پاره‌ای از ابهامات و فقدان اطلاعات موجب اتخاذ برخی تصمیمات

مهم و سرنوشت‌سازی بودند که در طی قرن گذشته جهان را تحت تاثیر قرار داده اند. لذا، اتاق‌های فکر در استخراج حقایق و دانش و همچنین تحقق نتایج واقع‌گرایانه از طریق تحقیق و پژوهش نقش بسزایی ایفا کرده اند. از سوی دیگر، این مراکز در تعامل با تغییرات جهانی بوده و از طریق کسب اخبار و اطلاعات در کانون تصمیم‌گیری سیاسی جای داشته اند. البته این به معنی بی‌تاثیر بودن دیگر موسسات در این فرآیند نیست، اما مهم‌ترین نقش را در این ارتباط اتاق‌های فکر ایفا کرده اند. افزون بر این، قسمتی از تاثیرات اتاق‌های فکر بر فرآیند تصمیم‌گیری، با پاره‌ای از وقایع سیاسی همبستگی داشته که در آن موسسه دولتی یا سازمانی متمول حمایت مالی از یک اتاق فکر را بر عهده داشته است. مرکز مورد نظر در پی انجام مطالعه یا پژوهشی برای کمک به سیاستگذار در اتخاذ تصمیمات خود است. این تصمیمات عمدتاً همسو با منافع سازمان یا موسسه‌ای است که حامی شخص تصمیم‌گیر است. به علت وقوع تغییرات جهانی، برخی از سیاستگذاران در پی تصاحب یا ایجاد مراکز پژوهشی یا اتاق‌های فکر هستند تا برای آن‌ها راهگشا باشد. افزون بر این مطلب، چنین مراکزی معمولاً با مشکلات مالی یا حقوقی رو به رو می‌شوند که در این حالت شخص قانونگذار یا موسسه تحت ریاست وی، از موسسه مذکور حمایت به عمل می‌آورد (Paul, 2016: 5).

۳. رهیافت نظری: رویکردهای متفاوت در خصوص اتاق‌های فکر

ظرفیت‌ها و جذابیت‌های فرآیند تصمیم‌گیری باعث شده است تا اندیشمندان مختلف از زوایای گوناگون به بحث در خصوص آن بپردازند. نتیجه این مجاهدت‌های علمی، تولید و عرضه الگوها و رویکردهای متفاوت در حوزه تصمیم‌گیری می‌باشد. از سوی دیگر، دولتمردان برای اتخاذ تصمیم‌ها و راهبردهای مناسب، نیازمند تحلیل‌های معتبر بوده و ضمن آگاهی از بازخورد سیاست‌های تدوین شده گذشته، باید توان انتخاب بدیل‌های مناسب جهت سیاست‌ها و برنامه‌های خود را داشته باشند (سیف‌زاده، ۱۳۷۵: ۳۱). از جمله سازوکارهایی که می‌تواند کمک قابل توجهی به دولت‌ها برای سیاستگذاری خارجی نماید، اتاق‌های فکر هستند. در مقام مقایسه با سابقه طولانی واژه اتاق فکر، قرار گرفتن این واژه به‌عنوان موضوع شناخت در گفتمان علمی، حتی در دانشگاه‌های آمریکا امری نسبتاً جدید محسوب می‌شود. به باور مدوتز، این بی‌توجهی پژوهشی ریشه در ماهیت ساختاری خاص اتاق‌های فکر دارد که آن‌ها را در جایگاهی معلق میان رشته‌های دانشگاهی علوم سیاسی، تاریخ و جامعه‌شناسی قرار می‌دهد (Medvetz,

29: 2012). با این وجود، موضوع اتاق‌های فکر برای اولین بار توسط اندیشمندان ملهم از «نظریه نخبگان» رایت میلز و به‌طور مشخص ویلیام دومه‌فام مورد توجه قرار گرفت. بر این اساس، مطالعات اتاق‌های فکر تحت سه رویکرد نظری مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند: ۱- نظریه نخبگان، ۲- نظریه تکثرگرا و ۳- نظریه نهادگرایی.

نظریه نخبگان مدعی است که اتاق‌های فکر نباید به‌عنوان مراکز پژوهشی خنثی مورد تحلیل قرار گیرند، بلکه باید به‌عنوان ابزاری در دست طبقه حاکم و به‌صورت یک برنامه ریزی سیاسی آن را در نظر گرفت. نظریه نخبگان اتاق‌های فکر را به صورت یک ماشین نظریه سازی که در دستان شبکه ای پر نفوذ از صاحبان قدرت، ثروت و نخبگان نظامی و دیوان سالاری است، مورد بررسی قرار می‌دهد (Mills, 2000: 103).

این رویکرد، اتاق‌های فکر را به‌عنوان سازمان‌هایی ذاتا لابی گر اما در پوشش موسسات پژوهشی علمی و فارغ از هرگونه سوگیری در نظر می‌گیرد. کار ویژه این مراکز تهیه اندیشه‌های عمیق و حیاتی درون شبکه طراح خط مشی‌ها و سیاست‌ها است (Domhoff, 2006: 87). این نوع چارچوب تحلیل نه تنها به اتاق‌های فکر به‌عنوان تولیدکننده پژوهش‌های بی طرف نگاه نمی‌کند، بلکه آن‌ها را به‌عنوان کارگزار فعال مرتبط با کانون‌های قدرت و سیاستگذاری، قلمداد می‌نماید. این مراکز با تاثیر گرفتن از تغییرات ایدئولوژیک و تقسیم بندی‌های سیاسی و همچنین اثرگذاری بر آن‌ها، در برهه‌ای حساس از دگرگونی‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به ایفای نقش می‌پردازند (Peschek, 1987: 2).

از سوی دیگر، دیدگاه تکثرگرا در تضاد کامل با نظریه نخبگان قرار دارد. به این معنا که در این دیدگاه اتاق‌های فکر نه به‌عنوان ابزار دست طبقه حاکم، بلکه به‌عنوان یک جریان نظام مند هستند که برای تاثیرگذاری بر سیاست عمومی با دیگر نهادها همچون لابی‌ها، اتحادیه‌های کارگری، جنبش‌های اجتماعی و انجمن‌های هویت-محور رقابت می‌کنند (Medvetz, 2012: 9). تفاوت اصلی این دو دیدگاه در آن است که دیدگاه تکثرگرا به طور عمده اتاق‌های فکر را در حکم صدایی در میان دیگر صداها می‌بیند و حال آنکه نگاه نظریه نخبگان به اتاق‌های فکر به مثابه یک گره در کلاف هزار توی شبکه نخبگان تصمیم ساز می‌باشد. با این همه این دو نگاه علیرغم تفاوت، در یک نقطه با هم اشتراک دارند و آن گرایش به داشتن دیدی تقلیل گرا نسبت به موضوع است. در مدل نخبگان، اتاق‌های فکر به ابزاری ساده در دست طبقه ثروتمند و گروه‌های رقیب تقلیل داده شده است. با ترسیم اتاق‌های فکر به شکل بنگاه‌های لابی گری یا

گروه‌های هواخواه، در این نظریه جایگاه این مراکز به یک جایگاه بی‌اهمیت و ثانویه تنزل پیدا کرده است؛ با دید غلط فرا کارکردگرایانه که جهان را در حکم یک صحنه بازنمایی و کنش‌های اجتماعی را به مثابه اجراهای این صحنه در نظر می‌گیرد (بورديو، ۱۳۸۱: ۵۲)، این رویکرد به اتاق‌های فکر در حکم سازمان‌های واسط اقتصادی، سیاسی یا نظامی می‌نگرد. به این خاطر نظریه نخبگان در ترسیم یک دیدگاه کل نگر به شبکه به هم پیوسته گروه‌های نخبه کارساز است، اما زمانی که بحث به چگونگی تبدیل این شبکه‌ها به اثرگذاری سیاسی می‌رسد، نظریه نخبگان سکوت اختیار می‌کند. این مطلب که نظریه نخبگان با در نظر نگرفتن جنبه‌های سمبلیک، اتاق‌های فکر را به یک مفهوم ایستا و مادی تقلیل داده است و به شدت ابزاری، کارکردگرا و به تبع آن نارسا در توصیف آن‌ها است، قضاوتی منصفانه به نظر می‌رسد.

از سوی دیگر معضل رویکرد تکثرگرا نگاه خام آن به انگیزه‌های ادعایی این مراکز که همانا تولید دانش و تخصص بی طرف است، می‌باشد. مشکل دیگر این نظریه نداشتن دیدی انتقادی نسبت به انگیزه‌های این مراکز است. در ضدیت با نظریه نخبگان، رویکرد تکثرگرا به طور عمده از اطلاق هر گونه خصوصیت ذاتی و یا کارکردی به اتاق‌های فکر اجتناب می‌کند. همچنین، این رویکرد در ارائه تعاریف کلی در مورد اتاق‌های فکر که بتواند آن‌ها را از دیگر گروه‌های ذی نفع رقیب متمایز کند، ناتوان است. نظریه تکثرگرا بر این فرض استوار شده است که افراد و گروه‌های مختلف برای تاثیر بر فرآیند تصمیم‌گیری در حال رقابت با یکدیگر هستند و این رقابت قدرت به صورت پراکنده و بدون یک طبقه مسلط حاکم توزیع شده است (Lukes, 2004: 5).

سومین نظریه که به لحاظ زمانی جدیدترین نظریه برای تحلیل اتاق‌های فکر است، نظریه نهادگرایی می‌باشد. مجموعه‌ای از نظریه‌ها که می‌توان تحت عنوان نهادگرایی آن‌ها را طبقه بندی کرد، سعی در ارائه راه‌حلهایی برای رفع نارسایی دو دیدگاه نخبه‌گرا و تکثرگرا دارد. نهادگرایان بر محیط‌ساختاری که اتاق‌های فکر در آن واقع شده‌اند تاکید ویژه دارند. همچنین آن‌ها بر قواعد و هنجارهای موثر بر رفتار و مناسبات سازمانی که باید به آن‌ها واکنش نشان دهند، متمرکز می‌شوند (Medvetz, 2012: 13). تمرکز اصلی این رویکرد بر اجتماعات معرفت‌شناختی یا شبکه‌های سیاستگذار متشکل از نخبگان کنشگر سیاسی است. این رویکرد متخصصین سیاستگذاری وابسته به اتاق‌های فکر را به‌عنوان اعضای یک اجتماع معرفت‌شناختی واحد در نظر گرفته که بر خط‌مشی‌های سیاسی و فرآیند سیاست‌تاثیر می‌گذارند

(Teichler, 2007: 16). رویکرد نهادگرا سعی دارد با در نظر گرفتن اندیشمندان وابسته به اتاق‌های فکر به‌عنوان جامعه معرفت‌شناختی و هم‌چنین در نظر گرفتن اتاق‌های فکر به‌عنوان زیست‌بوم سازمانی، از رویکرد مشکل‌آفرین اندیشمندان جامعه‌شناسی کلاسیک فاصله بگیرد که دو نظریه‌نخبه‌گرایی و تکثرگرایی را با مشکل رو به رو کرده بود. با این حال، همان‌طور که مدوتز به آن اشاره کرده، ایده استفاده از برند تخصصی مشترک، دانش علمی و عقاید هنجاری، بیش از آنکه به آشکار شدن موارد مبهم کمک کند، خود‌گره‌ای بر گره‌ها می‌افزاید. به این دلیل که مشکل بتوان کنشگران وابسته به اتاق‌های فکر را در یک تعامل منسجم و حرفه‌ای تصور کرد، با علم به این مطلب که آن‌ها مجهز به مهارت‌های گوناگون، هویت‌های متمایز و مهارت‌های مختلفی هستند (Medvetz, 2012: 13).

۴. ظهور و پیدایش اتاق‌های فکر در ترکیه

درباره دلایل افزایش تعداد اتاق‌های فکر در کشورهای مختلف می‌توان به مواردی همچون «وقوع انقلاب ارتباطی-اطلاعاتی»، «پایان یافتن نسبی انحصار حکومت‌ها بر اطلاعات»، «چالش‌های حکومت‌ها در اعتمادآفرینی»، «جهانی شدن و افزایش بازیگران غیرحکومتی»، «باز شدن فرآیند تصمیم‌سازی در حکومت‌ها» و «افزایش تقاضا برای اطلاعات و تحلیل‌های مستقل از حکومت‌ها» اشاره کرد (آقاجانی، ۱۳۹۰: ۱۴۴). در همین راستا، با وجود رشد سریع اتاق‌های فکر در ترکیه و افزایش اثرگذاری آن‌ها، تحقیقات موردی اندکی درباره اثرات تاریخی و فعلی چنین مراکزی در این کشور انجام گرفته است. در دهه‌های اخیر افزایش قابل ملاحظه‌ای در تعداد اتاق‌های فکر ترکیه صورت گرفته است. این موسسات گزارش‌ها و بولتن‌های بی‌شماری تولید کرده‌اند و نقش پژوهشگران مرتبط با این موسسات در گفتگوهای رسانه‌ای بین‌المللی و همایش‌های دانشگاهی در طی ده سال اخیر نمود بارزتری پیدا کرده است. برای شهروندان ترکیه‌ای مشاهده یک پژوهشگر بین‌المللی وابسته به یک اتاق فکر در رسانه‌های دیداری که به بحث در مورد یک رویداد مهم اجتماعی سیاسی می‌پردازد، بدل به امری عادی شده است. تلویزیون همان‌طور که بورديو اشاره کرده است، به خلق واقعیت می‌پردازد تا یک بازنمایی صرف رویدادها (بورديو، ۱۳۸۷: ۲۲). با تاسی از اندیشه بورديو در خصوص تلویزیون، پژوهشگران وابسته به اتاق‌های فکر که به تحلیل حوادث خبرساز ترکیه و منطقه به صورت ۲۴ ساعته مشغول هستند، به‌صورت مستقیم بخشی از ساخت اجتماعی-سیاسی حقیقت می‌باشند.

با این وجود، فعالیت این اندیشمندان محدود به گفتگوهای تلویزیونی نیست، بلکه همزمان در سایر حوزه‌های اجتماعی مانند اقتصاد، سیاست، دانشگاه و رسانه نقش آفرینی می‌کنند. در مقایسه با تجربه آمریکا و بریتانیا، اتاق‌های فکر ترکیه از منظر شکلی-ساختاری به مراتب جدیدتر به حساب می‌آیند. همچنین، در ترکیه نخبگان وابسته به اتاق‌های فکر خود به‌عنوان بازیگر وارد عرصه سیاسی شده‌اند. متعاقب آن موضوع اتاق‌های فکر در دانشگاه‌های ترکیه امری بدیع به نظر می‌رسد. پژوهشگران در ترکیه شاهد آن هستند که ادبیات تولید شده در این حوزه مربوط به اوائل دهه اول قرن بیستم است. ظاهراً تنها چند دانشگاه محدود از اتاق‌های فکر به‌عنوان موضوع و محور پژوهش استفاده کرده‌اند. با نگاهی به مطالعات مرتبط با این موضوع، به وضوح نوعی از هم‌گسیختگی حول مفهوم اتاق فکر در ترکیه مشاهده می‌شود. در قدم اول حتی در مورد نام گذاری این سازمان‌ها در زبان ترکی اتفاق نظر وجود ندارد. در گام بعد، نوعی اختلاف نظر در باب نام گذاری محققان وابسته به اتاق‌های فکر مشاهده می‌شود. به این صورت که بعضی از صاحب‌نظران دانشگاهی از واژه محقق برای توصیف این افراد استفاده می‌کنند. در حالی که گروهی دیگر از واژه‌های ثقیل تری همچون استراتژیست یا خبره استفاده می‌نمایند. به‌علاوه، عمده پژوهش‌ها در حوزه مطالعات اتاق فکر بر سازمان به‌عنوان واحد تحلیل به جای پژوهشگران وابسته استفاده می‌شود (Findikli, 2015: 24). در همین راستا، در بحث پیرامون تجربه سیاسی، اجتماعی و توسعه ترکیه دو گروه نظریه از منظر روش شناختی و معرفت‌شناختی تاثیرگذار بوده‌اند:

اول، مدل دولت محور مانند مرکز-پیرامون و دوم مدل دولت مقتدر. در این مطالعات، الگوی «دولت عثمانی-ترکی» به صورت دوگانه یک دولت مرکزی بوروکراتیک مقتدر و یک پیرامون ضعیف تعریف شده است. این سنت دولت مقتدر که در آن قدرت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به دست دولت عثمانی قبضه شده بود، جای خود را به سیاست نوین ترکیه که مانع شکل‌گیری یک جامعه مدنی قوی بود، داده است. تحلیل ماردین به طور مشابه بر اساس فقدان جامعه مدنی در نظم سیاسی ترکی-عثمانی استوار است که وجه بارز آن ثبات ساختارهای سیاسی و نظامی است. در تاریخ ترکیه قطبی از جامعه مدنی که به‌عنوان راهگشای مشکلات میان مرکز و پیرامون عمل کند، مشابه آنچه که در جوامع غربی وجود داشته است، مشاهده نمی‌شود (Mardin, 2007: 78).

بر این اساس، بحث پیرامون جامعه مدنی در ترکیه برای دهه‌ها وجود نداشته است. این بدان معنی است که دانشمندان علوم اجتماعی با این سوال روبه‌رو بوده‌اند که آیا جامعه مدنی در ترکیه وجود دارد یا خیر. مشکلی که محققان دانشگاهی با آن دست به‌گریبان هستند، تفکیک جامعه مدنی و دولت از یکدیگر است. مشخص نمودن مرزهای جامعه مدنی به تولید و بازتولید دوگانه جالب اما بی‌حاصل دولت و جامعه مدنی توسط پژوهشگران جامعه‌شناسی دامن زده است. به‌عنوان مثال، دوره «اوزال» توسط بسیاری از اندیشمندان به‌عنوان دوره تحکیم تکثرگرایی سیاسی، نظامی زدایی و دموکراسی و همچنین تقویت بازار آزاد و جدایی سیاست از جامعه مدنی یاد می‌شود (Gole, 1994: 7). آن‌ها از تقویت جامعه مدنی به‌عنوان نیرویی در جهت مهار دولت سرکوبگر به‌عنوان پیش‌درآمد حرکت جامعه سیاسی به سوی دموکراسی یاد می‌کنند. این امر جامعه مدنی را به‌عنوان فضای آزادی که به هویت‌ها و جنبش‌های نوین سیاسی امکان بروز می‌دهد، در نظر می‌گیرد.

این مساله گویای تغییر کانون توجه بسیاری از اندیشمندان از سوی دولت به جامعه (مدنی) در دهه ۱۹۸۰ است. همچنین مشاهده می‌شود که این اندیشمندان رقبای خود را به علت انتقاد از اصلاحات و میل به یکپارچه کردن جامعه مدنی و بازار آزاد متهم به تجر و دولت‌گرایی می‌کردند. در این فضا، ریشه‌های تاریخی اتاق‌های فکر ترکیه به اوائل دهه ۱۹۶۰ میلادی و دگردیسی‌های اجتماعی-سیاسی و اقتصادی آن دوره باز می‌گردد. مهم‌ترین این تغییرات حرکت به سوی یک اقتصاد برنامه‌ریزی شده با هدف تسریع فرآیند صنعتی شدن و با رویکردی درونزا، پس از کودتای سال ۱۹۶۰ مشاهده می‌شود. با توجه به حاکمیت چنین فضای سیاسی در ترکیه، سه مرحله پیدایش و تکوین اتاق‌های فکر در ترکیه به شرح ذیل است (Taskin, 2013: 78):

سال‌های	تقاضای سیاسی - بروکراتیک	ظرفیت اقتصادی	نقش اندیشمندان اتاق فکر
۱۹۶۱-۱۹۷۰	برنامه ریزی توسعه اقتصادی	انباشت سرمایه تحت صنعتی شدن جایگزین واردات	ایده‌های تکنوکرات
۱۹۸۰- ۱۹۷۱	عملگرایی دیپلماتیک	عدم ثبات اقتصادی، بحران عمیق و ترمیم با همکاری بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول	لابی‌گری و مشاوره اقتصادی
۱۹۹۳- ۱۹۸۱	برنامه ریزی سیاست خارجی و مشاوره سیاسی	ظهور سرمایه صادرات محور از طریق بازسازی نئولیبرال و یکپارچگی با اقتصاد جهانی	تخصص سیاستگذاری و عملگرایی سیاسی

بر این اساس، تحولات مشخص سیاسی و اجتماعی موجب رشد اتاق‌های فکر در اواسط دهه ۱۹۹۰ در ترکیه شده است. به طور مثال، پایان جنگ سرد، تقویت همکاری‌های میان اتحادیه اروپا و ترکیه، از میان رفتن اجماع در سیاست خارجی ترکیه پس از جنگ اول خلیج فارس، آزادی نسبی و تکثرگرایی همگی موجب ظهور بازیگران نوینی همچون اتاق‌های فکر شدند که از سیاست خارجی نوین و اولویت‌های نوین امنیتی سخن به میان آورده بود. این اتاق‌های فکر در پی ساخت سیاست خارجی ترکیه نوین و تنظیم یک دوره جدید در دوره به اصطلاح «نظم نوین جهانی» پیشرو در ایجاد مراکز جدید شدند که خود را مراکز تحقیقات راهبردی می خواندند. از سوی دیگر، دولت هم با بر پا کردن اتاق‌های فکر دولتی و یا مراکز تحقیقات راهبردی جدید، عملاً در این راستا گام برداشت. نهادهای زیر همگی از اتاق‌های فکر دولتی ایجاد شده در این دوره هستند:

مرکز پژوهش‌های راهبردی^۱ تشکیل شده توسط وزارت خارجه، کمیته ملی مطالعات و پژوهش‌های راهبردی^۲ به‌عنوان اتاق فکر مستقر در شورای آموزش عالی و همچنین مرکز پژوهش‌های مطالعات راهبردی^۳. به‌طور خلاصه، دهه ۱۹۹۰ شاهد افزایش ناگهانی در تعداد اتاق‌های فکر، چه مراکز پژوهشی راهبردی سیاست خارجی دولتی و چه نهادهای طرفدار بازار آزاد که در پی تقویت جامعه مدنی و دموکراسی می‌باشند، بوده است. در همین دهه تحول ساختاری جدیدی در حوزه رسانه به وقوع می‌پیوندد که برای درک بهتر ازدیاد اتاق‌های فکر در بیست سال اخیر در ترکیه، ضروری به نظر می‌رسد. این واقعه همانا در هم شکسته شدن انحصار رسانه‌ای رادیو تلویزیون دولتی ترکیه در سال ۱۹۹۴ است. به دنبال این واقعه، غول‌های صنعت رسانه به سرمایه‌گذاری در این حوزه از طریق تاسیس کانال‌های خصوصی تلویزیونی مبادرت ورزیدند. در تحولی همسو، قالب جدید برنامه‌های گفتگو-محور با حضور دانشگاهیان، روزنامه نگاران و اندیشمندان روزنامه نگار در تمامی این شبکه‌های جدید اجرا شد. در مدتی کوتاه، حوزه رسانه به عرصه تمرکز فزاینده مالکیت شبکه‌ها و ایجاد انحصارهای میان رسانه‌ای مبدل شد. در جامعه ای با بافتی دو قطبی همچون ترکیه، رسانه به طور اجتناب ناپذیری بدل

-
1. Center for Strategic Research (SAM)
 2. National Committee for Strategic Studies and Research (SAEMK)
 3. Center for Strategic Studies (SAREM)

به ابزاری هم سو و هم راستا با احزاب سیاسی، گروه‌ها یا جنبش‌های اجتماعی می‌شود. به موازات منفعل شدن سیاست ترکیه در برابر این رسانه‌ها، اتاق‌های فکر از طریق سازمان‌های رسانه ای در خطی مشی‌های سیاسی دخالت کردند. امروزه، مفسران تلویزیونی می‌توانند به‌عنوان یک پشتیبان قوی برای سیاستمداران عمل نمایند. به همین خاطر است که بسیاری از اندیشمندان اتاق‌های فکر نه تنها به منظور ارائه نظرات کارشناسی در مورد یک پدیده سیاسی- اجتماعی، بلکه برای ترویج و هواخواهی از سیاست‌های مشخص و به تبع آن تاثیرگذاری بر افکار عمومی، در برنامه‌های کارشناسی تلویزیونی شرکت می‌کنند (Findikli, 2015: 85).

به‌طور خلاصه از میانه دهه ۱۹۹۰ به این سو، اتاق‌های فکر به‌عنوان ابزاری در جهت تاثیرگذاری بر فضای سیاسی و افکار عمومی، ترویج اندیشه و حل مسائل شناخته شده‌اند. لذا، سال‌های اخیر شاهد موجی نوین از فرآیند اتاق فکر-گرایی بوده است. به این معنی که گروه‌های مختلفی همچون جنبش‌های سیاسی، هویت‌ها، احزاب سیاسی، دولت، بخش اقتصادی و حتی اجتماعات مذهبی در پی ایجاد اتاق فکر هستند. این جهش ناگهانی به همراه تبعات آن، دو پیامد مشخص به همراه داشته است: اول پراکندگی اتاق‌های فکر فراسوی دو کلان شهر و دوم متنوع شدن شکل سازمانی اتاق‌های فکر. تا سال ۲۰۰۰ اکثر اتاق‌های فکر ترکیه در دو شهر استانبول و آنکارا که مرکزیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی داشتند، واقع شده بودند. در حال حاضر، مراکز تحقیقاتی بی شمار وابسته به دانشگاه‌ها در سراسر ترکیه وجود دارد. دلیل دیگر پراکندگی جغرافیایی اتاق‌های فکر ظهور مراکز پژوهش-محور موضوعی با تمرکز بر نواحی مساله ساز همچون مساله کُردی بوده است.

۵. اتاق‌های فکر و سیاستگذاری خارجی حزب عدالت و توسعه در قبال خاورمیانه

در چارچوب جامعه فعلی ترکیه، افزایش تعداد و تنوع ایده‌هایی که اتاق‌های فکر نمایندگی می‌کنند، حاکی از تغییرات سیاسی در حال وقوعی است که پس از اتمام جنگ سرد در ترکیه به وجود آمده است. در گذشته سیاست خارجی به ندرت به هر گونه ایده جایگزین و یا رقیب فرصت حضور داده است. حاصل این امر شکل گیری اجماعی گسترده میان نخبگان در خصوص اهداف و ابزارها و جهت گیری‌های سیاست خارجی و بازیگران مشروع در این عرصه بوده است. بر این اساس، اجماع نخبگان ترکیه حول سه متغیر شکل گرفته است. متغیر اول جغرافیا است. هسته اصلی مختصات جغرافیایی به جا مانده از دوره عثمانی هم مرز با سه ناحیه جغرافیایی

است که به طور سنتی درگیر کشمکش بر سر قدرت و بی ثباتی و تعارض بوده است. بنا بر این استدلال، «همسایه بد» در ترکیه دستاویزی برای توجیه سیاستگذاری خارجی نظامی-امنیتی بوده است. دومین متغیر ریشه در گذشته عثمانی دارد. تجزیه امپراتوری عثمانی همچون سایه شومی بر این کشور سایه افکنده است. آنچه که از آن به عنوان «سندروم سور»^۱ یاد می شود، ترسی مشترک در میان نخبگان طبقه حاکم و بخش بزرگی از جامعه ترکیه است. از این روست که تاکید بر تمامیت ارضی به عنوان ضامن بقای نظام، در راس خطی مشی های سیاست خارجی ترکیه قرار دارد (Tursan, 2009: 16).

افزون بر این، باید از غرب گرایی به عنوان یک ایدئولوژی با قدمت طولانی و هدایت کننده اصول سیاستگذاری خارجی ترکیه یاد شود. در عمل، این مساله متضمن انتخاب یک سیاست خارجی غرب گرا به عنوان راه حلی جهت برون رفت از معضل امنیتی است. سیاست خارجی غرب-محور، باعث ایجاد گروه های هواخواه، بسیار پیشتر از اتاق های فکر در حکمرانی ترکیه شده است. «سازمان اروپا و حکومت جهانی»^۲ که توسط ۱۹ اندیشمند برجسته ترکیه در سال ۱۹۴۸ در استانبول پایه ریزی شد، اولین مورد در نوع خود در این کشور محسوب می شود. همچنین، اولین مجله سیاست خارجی ترکیه توسط اولین اتاق فکر سیاست خارجی، یعنی موسسه سیاست خارجی به منظور تحلیل بی طرفانه معضلات سیاستگذاری خارجی ترکیه برای مردم در اوائل دهه ۱۹۷۰ تشکیل شد (Guvenc, 2009: 5).

نتیجه ای که از تجربه اولیه اتاق های فکر در ترکیه گرفته می شود، این است که اتاق های فکر تاسیس شده با سرمایه خصوصی به منظور به چالش کشیدن اجماع سیاست خارجی دو حزبی به وجود نیامده بود. بلکه اتاق های فکر به منظور ایجاد اجماع و تسهیل روابط ترکیه با غرب به وجود آمده بودند. به شکلی می توان گفت که اتاق های فکر ابزار تحقق سیاست خارجی بودند که توسط بوروکراسی مدنی-نظامی تعریف شده بود. بنابراین، وزارت خارجه یا رئیس ستاد ارتش به جز چند تجربه مقطعی، تلاش جدی برای ایجاد اتاق های فکر وابسته به خود ننمودند. پس از این دوره، مشکل بتوان از سیاست خارجی با اجماع کامل در ترکیه سخن به میان آورد. تلاش برای تحقق این امر همچنان در جریان است. جدایی طلبی کردها و قدرت گرفتن اسلام سیاسی در داخل همراه با مشکلات با یونان، سوریه و ایران، شورای امنیت ملی ترکیه را که

1. Sevres Syndrome
2. Organization for Europe and World Government

سابقاً در دست نظامیان قرار داشت، مجدداً به‌عنوان بازیگر اصلی در سیاستگذاری امنیتی و خارجی مطرح نمود (Ozcan, 2009: 8). سرانجام اینکه، ازدیاد اتاق‌های فکر ترکیه نمی‌تواند به‌طور جدا مورد مطالعه قرار گیرد. با این وجود، رشد فعالیت اتاق‌های فکر فرامرزی بستری مناسب برای گسترش اتاق‌های فکر در ترکیه فراهم کرده است. از این رو اتاق‌های فکر اکنون شبکه‌های متخصصین خود را دارا هستند و در جستجوی شریکانی در دیگر کشورها برای تعامل و تقویت پیام خود در حوزه سیاست خارجی در داخل و خارج از ترکیه می‌باشند (Guvenc, 2007: 17).

هنگامی که حزب عدالت و توسعه قدرت را در دست گرفت، مسیر حرکتی جدید و راهبردی نوین را برای سیاستگذاری خارجی ترکیه علی‌الخصوص در منطقه استراتژیک خاورمیانه به ارمنان آورد. گروهی تغییر مسیر سیاست خارجی ترکیه را نوع‌ثانی‌گرایی، گروهی دیگر اسلام‌گرایی و بعضی دیگر خاورمیانه‌گرایی نامیدند. تمامی این برجسب‌ها بر مفهومی مشترک استوار بودند که شامل قدرت گرفتن اسلام و تاکید بر گذشته امپریالیستی ترکیه به‌عنوان مولفه‌های قدرت نرم در سیاست خارجی نوین ترکیه و همچنین نفی میراث سکولار آتاتورک می‌شد. حزب عدالت و توسعه با استفاده از مولفه‌های نوع‌ثانی‌گرایی دوره اوزال و همچنین سیاست خارجی چند بعدی اربکان سعی در تبدیل ترکیه به یک بازیگر جهانی وفق موقعیت ژئوپلیتیک آن داشته است. افزون بر این، این دکترین تاکید بیشتری بر فراملی‌گرایی اسلامی (امت اسلامی) در مقایسه با ملی‌گرایی دارد. بنابراین، حزب عدالت و توسعه در دهه ۲۰۰۰ از طریق سیاست همگرایی با همسایگان و تعقیب سیاست صفر کردن تنش با همسایگان در پی ایجاد توازن در رابطه با غرب و کاهش اتکا بر آن با تاکید بر مناطق پیرامونی خود، علی‌الخصوص خاورمیانه، بود (یعقوبی فر، ۱۳۹۲: ۹۶۷).

از سوی دیگر، در خلال سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۹ یعنی دوره اول زمامداری حزب عدالت و توسعه میانگین رشد اقتصادی در حدود ۷/۲ درصد در هر سال بوده است. این رشد اقتصادی به‌طور چشمگیری در موفقیت حزب عدالت و توسعه و پیروزی در سه دوره متوالی انتخابات پارلمانی با به دست آوردن اکثریت قاطع رای مردم، موثر بوده است. گام‌های مثبتی که حزب عدالت و توسعه بعد از سال ۲۰۰۲ برداشت، از جمله ادامه اصلاحات بانک جهانی که توسط کمال درویش آغاز شده بود و همچنین حفظ انضباط مالی، موجب تثبیت وضعیت کلان اقتصادی لازم برای جذب سرمایه خارجی شد. به‌طور مشخص پس از یک دوره ناکامی در

تشکیل دولت ائتلافی، دوام سیاسی که حزب عدالت و توسعه آغازگر آن بود، سرمایه گذاران داخلی و خارجی را دلگرم کرد (Arin, 2015: 6).

بر این اساس، دولت ترکیه به رهبری حزب عدالت و توسعه در طول دهه ۲۰۰۰ عملکرد موفقیت آمیزی داشت و توانست در حوزه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی موفقیت های چشمگیری را به دست آورد. مهم ترین اصول این حزب عبارتند از تحکیم دموکراسی در داخل، ایفای نقش محوری در منطقه و همچنین ایجاد الگویی برای کشورهای مسلمان و عرب منطقه خاورمیانه، چندجانبه گرایی و توجه به کشورهای عربی و مسلمان، سیاست تنش صفر با همسایگان، ایفای نقش میانجی در مسائل مختلف منطقه ای و بین المللی، تلاش برای ایجاد تعادل در سیاست های منطقه ای (خاورمیانه) و اروپا- آمریکا. در طی این سال ها حزب عدالت و توسعه سیاست چندجانبه گرایی را دنبال کرد به همین دلیل علاوه بر عرصه داخلی، در حوزه سیاست خارجی نیز توانست با در پیش گرفتن دیپلماسی فعال، موفقیت های بسیاری را کسب کرده و جایگاه ترکیه را در منطقه و نظام بین الملل ارتقا دهد (صابردوست، ۱۳۹۳: ۳). لذا، در راهبرد کلان عمق استراتژیک داوود اغلو، ترکیه به عنوان یک پل میان نواحی مجاور خود از جمله بالکان، قفقاز و خاورمیانه عمل می کرد. مسیر جدید سیاست خارجی ترکیه این استدلال کمالیستی که ترکیه نباید هیچ گونه طرح بزرگی در مورد سیاست خارجی داشته باشد و بایستی بر تسریع غرب گرایی تمرکز کند، رد می کرد.

اما وقوع بهار عربی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا شرایط را به گونه دیگری رقم زد. با شروع بهار عربی از دسامبر ۲۰۱۰، ترکیه در برابر حوادث کشورهای منطقه سیاست های مختلف و بعضاً متناقضی را در پیش گرفت که در نهایت سبب ایجاد چالش در حوزه سیاستگذاری خارجی این کشور شد؛ به ویژه با وقوع بحران سوریه و کودتای نظامی مصر، این چالش ها ابعاد عمیق تری به خود گرفت که همزمانی این اتفاقات با برخی از مسائل داخلی شامل حوادث پارک گزی، در نهایت منجر به محدود شدن قدرت نرم آنکارا در خاورمیانه شد و نشان داد که سیاست خارجی ترکیه نیاز به اصلاح و تنظیم مجدد دارد. اعتراضات داخلی سال ۲۰۱۳ مانند میدان گزی استانبول، چالش سختی برای سیاست خارجی خاورمیانه ای ترکیه فراهم کرد. بسیاری از تحلیل گران، بهار عربی در خاورمیانه را فرصت طلایی برای تحکیم موقعیت رهبری ترکیه در منطقه تصور می کردند، چرا که با وقوع تحولات در جهان عرب انتظار داشتند، مدل اقتصادی و سیاسی ترکیه به عنوان بهترین الگو در این کشورها پذیرفته شود. در این راستا بود

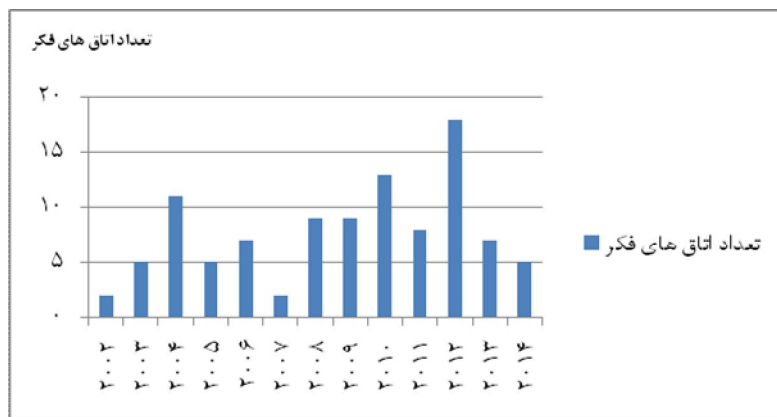
که اتاق‌های فکر فعال در عرصه سیاست خارجی ترکیه از جمله موسسات تاسام^۱، ستا^۲ و اورسام^۳ در جهت پیشبرد سیاست‌های آنکارا در قبال خاورمیانه اقدام به برگزاری همایش‌ها، کنفرانس‌ها و انتشار مقالات و تحلیل‌های گوناگون کردند. اردوغان نیز امیدوار بود در سایه انقلاب‌های عربی حوزه نفوذ خود در جهان عرب و شمال آفریقا را گسترش دهد، اما وقوع برخی تحولات داخلی و منطقه‌ای به صورت همزمان، محدودیت توانایی‌های ترکیه برای شکل دادن به سیاست در خاورمیانه را نمایان ساخت. لذا، حوادث پیش بینی نشده‌ای همچون بهار عربی، ترکیه را در معرض شرایطی قرار داد که خود را مهیای آن نکرده بود. این مساله به‌طور مشخص منعکس‌کننده توازن داخلی قدرت میان حزب عدالت و توسعه و کمالیست‌ها از یکسو و واقعیت تلخ بهار عربی در خاورمیانه از سوی دیگر است. بر این اساس، سیاست خارجی فعال جدید باری سنگین بر دوش دستگاه دیپلماسی ترکیه قرار داد. همچنین، اسلام‌گرایی در سیاست خارجی از طریق حمایت از حماس، النصره و اخوان المسلمین، غرب را در پذیرش ترکیه به‌عنوان شریکی قابل اتکاء در منطقه‌ای آبدستن حوادث دچار شک و تردید ساخت. ناتوانی ترکیه در بازگشت به اردوگاه غرب در پی جنگ داخلی سوریه، آسیب‌پذیری این کشور را در درگیری‌های فرقه‌ای خاورمیانه مشخص نمود. همچنین ناتوانی این کشور در موازنه قدرت با ایران در نواحی خلیج فارس و عراق بدون کمک غرب، بیش از پیش نمایان شده است. از این رو، حزب عدالت و توسعه به بازنگری در سیاست خارجی خود، علی‌الخصوص پس از کودتای ناموفق ۱۵ ژوئای ۲۰۱۶، دست زد و در این راستا قدرت سخت تهدیدکننده تمامی همسایگان خود را جایگزین مفهوم قدرت نرم نمود (Arin, 2015: 23).

دوران گسترش چشمگیر اتاق‌های فکر در ترکیه در سال ۲۰۰۲، زمانی که حزب عدالت و توسعه به قدرت رسید آغاز و موسسات تخصصی و تحلیلی جدید در دهه گذشته به واسطه تحولات ژئوپلیتیک و منطقه‌ای، درگیری‌های جدید و بحران‌های مختلف تاسیس گردید. کارشناسان ترکیه به‌طور فزاینده‌ای در هیات‌های دولتی در سفر به کشورهای خارجی به منظور ارائه «پشتیبانی فکری» به مقامات دولتی و برقراری پل همکاری بین‌المللی با اتاق‌های فکر

1. Turkish Asian Center for Strategic Studies
2. Foundation for Political, Economic & Social Research
3. Center for Middle Eastern Strategic Studies

نقش اتاق های فکر در سیاستگذاری خارجی ترکیه در قبال...

دیگر کشورها حضور یافتند (3: Simavoryan, 2015). از سال ۲۰۰۰ در حالی که نرخ رشد اتاق‌های فکر در سراسر جهان به شدت کاهش یافته و در سال ۲۰۰۴ به پایین‌ترین سطح خود رسید، در ترکیه تعداد اتاق‌های فکر از سال ۲۰۰۲ به شدت افزایش یافته است. در خلال سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۱۴ اتاق‌های فکر جدید از ۲ الی ۱۸ عدد در هر سال تاسیس شده است. همان طوری که در جدول زیر مشخص شده است، بیشترین رشد تعداد اتاق‌های فکر در خلال سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ که اوج تحولات سیاسی در خاورمیانه و شمال آفریقا از طریق انقلاب‌های عربی بوده، اتفاق افتاده است (McGann, 2016: 56).



تعداد اتاق‌های فکر سیاست خارجی ایجاد شده در ترکیه از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۴

هنگامی که سیاستگذاران حزب عدالت و توسعه از ابزار حسن شهرت برای فائق آمدن بر این گونه بن‌بست‌های سیاسی استفاده می‌کنند، اتاق‌های فکر به‌منظور پاسخگو نمودن مخالفان و طبقه حاکم برای حصول موافقت با طرح‌های پیشنهادی به نقش آفرینی می‌پردازند. تاسیس و همکاری موسسات بین‌المللی راهی مهم اما مشکل آفرین پیش روی دولت ترکیه در دوران نخست وزیری احمد داوود اگلو قرار داد. از زمان آغاز به کار حزب عدالت و توسعه، پژوهشگران اتاق‌های فکر حضوری فعالانه در مراکز پژوهشی داشته‌اند که اهمیت زیادی در رابطه آن‌ها با کانون قدرت در آنکارا داشته است. پژوهشگران اتاق‌های فکر به‌طور مرتب در همایش و جلسات خبری پخش شده در تلویزیون شرکت داشته‌اند. آن‌ها مرتباً به بحث و تبادل نظر با سیاستمداران، روزنامه نگاران و صاحبان کار و سرمایه پرداخته‌اند که این امر موجب مطرح

شدن نام این افراد دانشگاهی به‌عنوان اندیشمندان عمومی شده است. اندیشمندان برای توسعه نفوذ خود بر مراکز قدرت نیاز به کسب حمایت موسسات تحقیقاتی داشته اند (Benham, 2015: 3).

از اواخر سال ۲۰۱۰ همگام با شروع انقلاب‌های عربی در منطقه خاورمیانه، سیاستگذاری خارجی ترکیه در ابعاد گسترده تری مورد بحث و کنکاش قرار گرفته و جهت‌گیری کلی و نقاط قوت آن مورد بحث و بعضاً مشاجره قرار گرفته است. ازدیاد اتاق‌های فکر و تنوع آن‌ها در سالیان اخیر به علت روند رو به رشد آزادسازی سیاست ترکیه و نیز واکنش به این فرآیند بوده است. بخش اقتصادی، رسانه‌ها، گروه‌های قومی و سایر بازیگران جامعه مدنی قصد تاثیرگذاری بر سیاست خارجی را داشته و سعی در به چالش کشیدن انحصار نظامی-مدنی در فرآیند سیاستگذاری را دارند. در این فرآیند اتاق‌های فکر به ارائه ابزارهای موثر و نوین به بازیگران قدیم و جدید عرصه سیاستگذاری خارجی می‌پردازند. هدف این بازیگران سوق دادن مردم ترکیه به سمت و سوی استفاده از جایگزین‌های توصیه شده توسط آن‌ها است. با این وجود، اتاق‌های فکر ترکیه نه تنها تجربه لازم را پشت سر نگذاشته‌اند، بلکه هنوز نتوانسته‌اند خود را به‌عنوان بازیگران تصمیم‌ساز در سیاست خارجی مطرح کنند. به بیان دیگر، اتاق‌های فکر ترکیه صحنه بسیار پر جنب و جوش و در حال گذار است که جریان‌های مختلف و متنوع سیاسی، اقتصادی، بوروکراتیک و اجتماعی در آن حضور دارند (Guvenc, 2009: 2).

در حال حاضر و پانزده سال در مسند قدرت بودن حزب عدالت و توسعه، موجب ظهور نخبگان فن‌سالاری شده است که طالب رویکردی واقع‌گرایانه نسبت به سیاست می‌باشند. این مطلب به بهترین وجهی در ارتقاء منزلت متخصصین سیاستگذاری خارجی نمود پیدا می‌کند. سوق پیدا کردن بسیاری از جوانان مسلمان به مباحث راهبردی همچون روابط بین الملل و مطالعات امنیتی همزمان با تکاپوی حزب عدالت و توسعه برای رسیدن به جایگاه یک قدرت منطقه‌ای در خاورمیانه، اتفاقی به نظر نمی‌رسد. رشد قارچ‌گونه بسیاری از اتاق‌های فکر نزدیک به دولت، پدیده‌ای جدید در ترکیه است که به بهترین وجهی قدرت گرفتن جریان‌های نخبگان تحت عنوان «راهبردگرایی» را نشان می‌دهد. این اندیشمندان در مشروعیت بخشی داخلی به حزب عدالت و توسعه حول محور افزایش قدرت منطقه‌ای ترکیه، بسیار موثر بوده‌اند (Genc, 2016: 99).

در این چارچوب، اتاق‌های فکر ترکیه نشان دهنده این روند در گفتمان عمومی ترکیه هستند. اگر چه آن‌ها قادر به ایفای نقشی که اتاق‌های فکر در آمریکا یا برخی از کشورهای اروپایی انجام می‌دهند، نیستند اما قطعاً نماینده سیاست‌ها و راهبردهای آموزش داده شده در ترکیه و ابزاری در جهت درک موثر آن‌ها می‌باشند. از این روست که دهه اول قرن بیستم شاهد افزایش حیرت‌انگیز بخش اتاق‌های فکر در ترکیه در جهت توجیه سیاست‌های آنکارا در قبال خاورمیانه بوده است (Gavenc, 2007: 13).

از سوی دیگر، به موازات قبضه شدن نهادهای دولت توسط اردوغان و حزب عدالت و توسعه و همچنین گرفتن ابزارهای کنترل‌کننده از دست ارتش و رسانه‌ها، جامعه مدنی می‌تواند ابزاری پر قدرت برای مهار اقتدارگرایی باقیمانده در نهاد سیاست ترکیه باشد. با این وجود، تولد بخش اتاق‌های فکر منجر به ایجاد یک گفتمان استاندارد اندیشه‌ای و سیاست‌سازنده در ترکیه نشده است. در مقطع کنونی اتاق‌های فکر ترکیه هنوز به‌عنوان ابزاری در دست گروه‌های نخبگی رقیب و نه تولیدکننده ایده‌های مستقل به فعالیت می‌پردازند. علیرغم ایجاد بستری برای تبادل آرا و سیاست‌ها، اتاق‌های فکر ترکیه همچنان بیشتر به‌عنوان منبع اطلاعاتی در دسترس تصمیم‌گیران سیاست خارجی فعالیت می‌کنند تا محلی برای تولید اندیشه‌های مستقل (Collins, 2013: 14).

در مجموع، به گفتمان‌های «کشور الگو» و «قدرت نرم» که در دوره حزب عدالت و توسعه در قبال منطقه خاورمیانه اتخاذ شد در اتاق‌های فکر ترکیه به‌طور مساوی پرداخته نشده است. در واقع، «بنیاد تحقیقات سیاستگذاری اقتصادی» و «بنیاد تحقیقات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی» دو اتاق فکر اصلی و تاثیرگذار در ترکیه هستند که در خط مقدم ترویج ایده «قدرت نرم» قرار داشتند. این موضوع قطعاً تصادفی نیست، چرا که «بنیاد تحقیقات سیاستگذاری اقتصادی اتاق فکر» وابسته به اتحادیه اتاق‌های بازرگانی ترکیه و تحت حمایت حزب عدالت و توسعه است که از توسعه سیاست خارجی دولت تجاری بهره می‌برد و مایل به توسعه یک تصویر مثبت از ترکیه به‌منظور جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. از سوی دیگر، «بنیاد تحقیقات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی» در عرصه داخلی برای وابستگی قوی به دولت حزب عدالت و توسعه و سیاست خارجی آن شناخته شده است. رابطه پیچیده بین منافع اقتصادی و سیاسی و تولیدات اتاق‌های فکر ترکیه به‌عنوان یادآوری از فقدان استقلال بخش بزرگی از جامعه اتاق‌های فکر این کشور از دولت را نمایان می‌سازد. چنین عدم استقلالی البته، پدیده‌ای

محدود به ترکیه نیست. با این حال، از زمان تغییر اقتدارگرایانه حکومت حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۱۱ از رویکردهای معطوف به قدرت نرم به سوی رویکردهای سخت‌تر و علی‌الخصوص بعد از انقلاب‌های عربی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، این مساله برجسته‌تر شده است. بنابراین، اهمیت رو به رشد گفتمان «کشور الگو» در اتاق‌های فکر ترکیه به نظر می‌رسد به طور مستقیم به این واقعیت مربوط باشد که برخی از کارشناسان ترویج این گفتمان به برنامه‌های سیاسی داخلی و خارجی حزب عدالت و توسعه متعهد می‌باشند.

نتیجه‌گیری

سیاستگذاری خارجی به‌عنوان یکی از وظایف دولت‌ها، امری بسیار پر اهمیت و پیچیده است. دستیابی به یک سیاستگذاری خارجی موفق که توانایی نیل به اهداف از پیش تعیین شده را داشته باشد، بستگی به عوامل مشخصی همچون دانش سیاستگذاران و شناخت راه‌حل‌های سیاستی جایگزین دارد. یکی از ابزارهای اصلی رسیدن به وضعیت مطلوب در عرصه بین‌المللی، تدوین راهبرد سیاست خارجی مناسب است که این مهم در گرو استفاده از تجارب، تخصص‌ها و دیدگاه‌های متنوع می‌باشد. در چنین شرایطی است که اتاق‌های فکر به مثابه مراکز ایده‌پردازی می‌توانند کمک موثری به تدوین این راهبرد نمایند. در پرتو تغییرات بین‌المللی و تحولات به‌وجود آمده در روابط بین‌الملل، اهمیت اتاق‌های فکر در فرآیند تصمیم‌گیری بیشتر احساس شده است. چرا که اتاق‌های فکر نقش مهمی در آماده‌سازی، جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات در فرآیند توسعه بین‌المللی بر عهده دارند. اتاق‌های فکر برای سیاستگذاران خارجی، اطلاعات و گزینه‌های در دسترس برای تصمیم‌گیری متناسب را فراهم می‌آورد. بر این اساس و با توجه به اینکه سیاستگذاری خارجی مقوله پر اهمیتی است، به اندازه‌ای که می‌تواند در سرنوشت کشورها اثرگذار باشد، بنابراین سیاستگذاری خارجی کارآمد و عملی، موضوع خطیری است که نیازمند وجود شرایط مناسب، برخورداری از تخصص‌های لازم می‌باشد. هر چند اتاق‌های فکر در عرصه‌های گوناگون می‌توانند منشا اثر باشند، ولی این اثرگذاری در حوزه سیاستگذاری خارجی حائز حساسیت بیشتری است و کشورهای گوناگون در طول سال‌ها سعی در بهبود روندهای حاکم بر اتاق‌های فکر در راستای استفاده هر چه بیشتر از این مراکز نموده‌اند.

در همین راستا، اتاق‌های فکر در ترکیه مراکزی نسبتاً جدید می‌باشند. بسیاری از اتاق‌های فکر در این کشور، سازمان‌های وابسته به یک حزب سیاسی و یا یک شرکت هستند. تعداد

بسیار کمی اتاق فکر وابسته به دانشگاه وجود دارد. اتاق های فکر ترکیه به ارائه تحقیقات و ایده در برخی از حوزه ها می پردازند، با این وجود هنوز نقش چشمگیری را در سیاستگذاری خارجی در مقایسه با مراکز فکری کشورهای توسعه یافته بازی نمی کنند. در دوره حزب عدالت و توسعه انتشار ایده قدرت نرم ترکیه در قبال منطقه خاورمیانه بر اساس رویکرد نوعثمانی گرایی و تنش صفر با همسایه ها در سایه پیشرفت اقتصادی استوار بود که می تواند توضیح دهنده تکرر تعداد اتاق های فکر در این کشور باشد. در ترکیه، ۳۱ اتاق فکر برای نفوذ سیاسی در سیاست داخلی و خارجی این کشور به رقابت می پردازند. اتاق های فکر مطرح و محافظه کار، دسترسی فوری به کارگزاران قدرت در حزب عدالت و توسعه و همکاران آن ها در نهادهای، رسانه ها و شرکت های دولتی دارند. در مورد ترکیه، اتاق فکرهای محافظه کار مدافع اسلام سیاسی در راستای منافع حزب حاکم فعالیت می کنند. از سوی دیگر، موسسات وابسته به حزب عدالت و توسعه برای ایجاد شبکه های قوی به جذب و بسیج روشنفکران دانشگاهی مستعد و تشکیل اتاق های فکر برای اجرای پروژه های اقتصادی و سیاسی در امور داخلی و خارجی به نفع خود تلاش کرده اند. بر این اساس، همان طور که در بخش رهیافت نظری پژوهش مورد بررسی قرار گرفت، طبق نظریه نخبگان اتاق های فکر بازیگران کلیدی «نخبگان قدرت» را تشکیل می دهند. در ترکیه، قدرت تصمیم گیری در دست یک حلقه کوچک از رهبران کسب و کار، سیاستمداران و صاحب نظران متمرکز شده است. هنگامی که سیاستگذاران با هدف تبلیغ فرآیندهای تصمیم گیری برای غلبه بر بن بست های سیاسی اقدام می کنند، اتاق های فکر به منظور قرار دادن دشمنان و افراد مسؤول تحت فشار در جهت رضایت به طرح های سیاسی مورد استفاده قرار می گیرند. از ابتدای دولت حزب عدالت و توسعه، محققان اتاق های فکر به طور فعال در موسسات تحقیقاتی که اهمیت زیادی به روابط خود با مرکز قدرت در آنکارا می دهند، درگیر شده اند. در عرصه سیاست خارجی، تحولات جهان عرب در خاورمیانه و شمال آفریقا به تغییرات قابل توجهی در نظم و ترسیم الگوهای رقیب منطقه ای منجر شده است. یکی از ویژگی های بحران های بین المللی و منطقه ای، نقش آفرینی بازیگران و کنشگران ذینفع می باشد. اگر بخواهیم مباحث خاورمیانه را به درستی تحلیل کنیم، بایستی متغیر بازیگر مداخله گر و بازیگران منطقه ای را نیز مورد توجه قرار داد. هر چند پارادایم های حاکم بر این منطقه قبل و بعد از جنگ سرد دچار تغییرات بنیادین شده است، اما وجه رقابت بر سر ارائه الگو یا مدل های مطلوب در منطقه، امری اجتناب ناپذیر است. بر این اساس، بازیگران سعی می نمایند با تاثیرگذاری و نقش آفرینی در

تحولات موجود خاورمیانه، مدل مطلوب خود را تعریف و به ارائه تصویری مطلوب از خود پردازند که نتیجه آن افزایش دامنه نفوذ و تاثیرگذاری بر معادلات و پویای موجود منطقه است. در همین زمینه، ترکیه از جمله آن بازیگرانی است که نقش پر رنگی در تحولات اخیر خاورمیانه داشته است. برداشت‌های نقشی سیاستگذاری خارجی حزب عدالت و توسعه در طی بیش از یک دهه در قدرت بودن آن ثابت نماند. همان‌طور که اشاره شد، اولین سال‌های حکمرانی حزب عدالت و توسعه با یک سیاست خارجی پویشگرانه شروع شد که بر دورنمای عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا در حین تمرکز بر نقش آن به‌عنوان «پل میان تمدن‌ها» تاکید داشت. در واقع، سیاست‌های منطقه‌ای و به صفر رساندن تنش با همسایه‌ها به‌عنوان یک سرمایه در درخواست ترکیه برای عضویت در اتحادیه اروپا مورد تاکید قرار گرفته بود. از سال ۲۰۰۹، منازعه بر سر سیاستگذاری خارجی ترکیه در جهت تغییر محور و «خاورمیانه‌سازی» سیاست خارجی متمرکز بود. در حالی که رهبران حزب عدالت و توسعه اصرار دارند که دورنمای عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا تغییر نکرده است، آن‌ها همچنین به طور فعالانه بر نقش «کشور محوری/ مرکزی» تاکید دارند که به خصوص از جاه طلبی‌های تیم رهبری آن در خاورمیانه و شمال آفریقا آشکار است. مشاهده سیاست خارجی ترکیه نسبت به خاورمیانه و نقش‌هایی که ترکیه به خود نسبت می‌دهد نشان می‌دهد از نقش‌های نرم به نقش‌های سخت تر از زمان قیام‌های عربی تغییر کرده است. از سوی دیگر، ترکیه در شرایط فعلی همزمان با چالش‌های داخلی و منطقه‌ای دست به گریبان بوده و از این رو سیاست خارجی ترکیه نیازمند بازنگری می‌باشد تا بتواند جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی خود را احیا کند. در حال حاضر نیز ترکیه به دنبال بازگشت به فضای مطلوب قبل از ۲۰۱۰ و موضوع صفر کردن اختلافات با همسایگان می‌باشد. بنابراین، در شرایط فعلی مهم‌ترین چالش سیاستگذاری خارجی ترکیه این است که چگونه مسائل داخلی و سیاست خارجی خود را مدیریت و هدایت نماید که ضمن حفظ منافع ملی، موقعیت و اعتبار گذشته (قبل از وقوع بهار عربی) را در خاورمیانه احیا نماید. همان‌طور که در دهه اول قدرت‌گیری حزب عدالت و توسعه، اتاق‌های فکر حامی این حزب به دنبال توسعه و توجیه سیاستگذاری خارجی ترکیه بر اساس مولفه‌های قدرت نرم و کشور الگو بوده‌اند، تحت تاثیر بهار عربی و تغییر رویکرد سیاست خارجی ترکیه به موضعی سخت تر در قبال این تحولات، اتاق‌های فکر نقش تفسیرگر این تغییر رویکرد را نزد افکار عمومی داخلی ترکیه از یک سو و توجیه آن در عرصه بین‌المللی از سوی دیگر بر عهده گرفته‌اند. آن چه مسلم

است با توجه به تجربه تاریخی ترکیه، علی رغم رشد اتاق‌های فکر در سال‌های اخیر در این کشور، با توجه به ساختار سیاسی موجود، تاثیرگذاری آن‌ها بر سیاستگذاری خارجی اندک و اغلب در جهت توجیه سیاست خارجی این کشور بوده است.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

اسدی، ناصر و رضائی‌پناه، امیر (۱۳۹۲). «مبانی تقسیم‌بندی نظام بین‌الملل و هم‌گرایی‌ها و واگرایی‌های آن در گفتمان تعامل‌گرایی ضدنظام‌سلطه»، *پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال ۳، شماره ۱، صص ۱-۲۷.

آبلسون، دونالد (۱۳۸۴). «نقش اتاق‌های فکر در سیاست خارجی آمریکا»، ترجمه نادر پور آخوندی، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال سوم، شماره ۸.

آقاجانی احمد و عسگری، محمود (۱۳۹۰). «نقش آفرینی اتاق‌های فکر در سیاستگذاری دفاعی - امنیتی»، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال نهم، شماره ۳۲.

افتخاری، اصغر (۱۳۸۴). «پژوهش و تصمیم‌گیری؛ بایسته‌های تحقیقاتی در فرآیند تصمیم‌سازی»، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال سوم، شماره ۸.

امام جمعه‌زاده، سیدجواد (۱۳۹۴). «نقش اتاق‌های فکر در تصمیم‌سازی سیاست خارجی آمریکا در قبال پرونده هسته ای ایران»، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، دوره ۸، شماره ۲۹.

بوردیو، پیترو (۱۳۸۷). *درباره تلویزیون و سلطه ژورنالیسم*، ترجمه ناصر فکوهی، تهران: نشر آشیان. بوردیو، پیترو (۱۳۸۱). *نظریه کنش، دلایل عملی و انتخاب عقلانی*، ترجمه سید مرتضی مردیها، تهران: نشر نقش و نگار.

حسینی، سیدحسین (۱۳۸۷). «اتاق فکر و دیپلماسی امنیتی»، *هفته‌نامه پگاه حوزه*، شماره ۲۴۱. سیف‌زاده، حسین (۱۳۷۵). *مبانی و مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

صالحی اصل، علی حسین و میرزا امینی، محمدرضا (۱۳۸۴). «درآمدی بر اتاق‌های فکر دفاعی»، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال سوم، شماره ۸.

صابر دوست، مهناز (۱۳۹۳). *بهار عربی و خزان در روابط ترکیه و کشورهای غرب آسیا*،

یعقوبی فر، حامد (۱۳۹۲). «گونه شناسی سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و هفتم، شماره ۴.

ب) منابع انگلیسی

- Arin, K. (2015). "Turkish Think Tanks, The AKP's Policy Network from Neo-Gramscian and Neo-ottoman Angles", Available at: [https:// www.pdx.edu/turkish_studies_center/sites/www.pdx.edu/turkish_studies_center/files/Occasional%20paper%20series.pdf](https://www.pdx.edu/turkish_studies_center/sites/www.pdx.edu/turkish_studies_center/files/Occasional%20paper%20series.pdf)
- Aras, O.N. (2014). "Turkey's 2023 Goals: From Reality to Dream", *TodaysZaman.com*, Available at: [www. todayszaman.com/anasayfa_turkeys-2023-goals-from-reality-todream_357254.html](http://www.todayszaman.com/anasayfa_turkeys-2023-goals-from-reality-todream_357254.html).
- Ardawi, K. (2013). "Activating the Role of Research Centers in Iraq's Policymaking", *Euphrates Center for Development and Strategic Studies*, Available at: <http://www.bayancenter.org/en/wp-content/uploads/2016/06/8323252.pdf>.
- Baitencourt, A. (2005). "National Dialogue on the the Establishment of Think Tanks", *Journal of Strategic Observers*, No. 9, Kashif Center for Strategic Studies, Available at: <http://library.fes.de/pdf-files/bueros/china/08564.pdf>
- Benhaim Y. (2015). The Rise and fall of Turkey's Soft Power Discourse, *European Journal of Turkish Studies*, and Available at: <https://ejts.revues.org/5275#ftn8>
- Collins, J. (2013). "Troubles in Turkey Magnify Civil Society's Role", *World Affairs Journal*, Available at www.worldaffairs.org/blog/390-troubles-in-turkey-magnify-civil-societys-role
- Eczacıbası, N. (1991). **From Generation to Generation**, Second Edition, Istanbul: Nejat Eczacıbası Publication.
- Domhoff, G.W. [1967] (2006). **Who Rules America? Power, Politics, and Social Change**, 5th ed. Boston: McGraw-Hill. 20Social%20Change_djvu.txt.
- Findikli, B. (2015). "The Emergence of Think Tanks and Mediator Intellectuals in Turkey", Istanbul University, Available at: <http://earsiv.sehir.edu.tr:8080/xmlui/bitstream/handle/11498/25112/000110695002.pdf?sequence=1>
- Göle, N. (1994). "Towards an Autonomization of Politics and Civil Society in Turkey", In M. Heper& A. Evin (Eds.), **Politics in the Third Turkish Republic**, Boulder: Westview Press.
- Guvenc, S. (2009). "Seeking Influence in Foreign Policy-Making: Turkey's Experiment with Think-Tanks", *IPSA World Congress of Political Science*, Santiago, Available at: <http://paperroom.ipsa.org/papers/view/2431>.
- Güvenç S. (2007). "Think Tanks and the Discipline of International Relations in Turkey", *International Relations*, No. 13.

- Genç, O. (2016). "Enhancing the Policy Impact of Democracy Research: The Case of the Turkish Economic and Social Studies Foundation's Democratization Program", in Democracy Think Tanks in Action, Available at: <http://inss.ndu.edu/Portals/68/Documents/stratforum/SF-292.pdf>
- Kiniklioğlu. S. (2005). "Turkey's Think Tank Scene", Hurriyet Daily News, Available at: [www. Hurriyetdailynews.com/turkeys- think-tank-scene .aspx? PageID=438&n=turkeys- think-tank-scene](http://www.Hurriyetdailynews.com/turkeys-think-tank-scene.aspx?PageID=438&n=turkeys-think-tank-scene) 2005- 12- 27
- Tawfiq, H. (2010). "The Principles of International Relations", Fifth Edition; Legal Library, Baghdad, Available at: <http://www.bayancenter.org/en/wp-content/uploads/2016/06/6323251.pdf>
- Jewarin A. (2016). "The Role of Independent Arab and Iraqi Research and Study Centers", Network of Iraqi Economists, Baghdad, Available at: <http://english.dohainstitute.org/file/Get/d272fcdd-1b5f-4f76-83c3-cc45d2b5b0cd>
- Kubba, S. (2015). **American Research Centers and Their Role in the Decision-Making Process in Foreign Policy**, Ahmadi Publishing, First Edition, Baghdad, Available at: [http://www. bayancenter.org/en/ 2016/06/781/](http://www.bayancenter.org/en/2016/06/781/)
- Lukes, S. (2004). **Power: A Radical View**, 2nd ed. New York: Palgrave MacMillan.
- Medvetz, T. (2012). **Think Tanks in America**, Chicago: The University of Chicago Press.
- Mills, C. (2000). **The Power Elite**, New York: Oxford University Press.
- Mardin, Ş. (2007). Civil Society and Islam. In J.A. Hall (Ed.), **Civil Society: Theory, History, Comparison**, Cambridge: Polity Press
- McGann, J. (2015). **Global Go To Think Tank Index Report**, Philadelphia: University of Pennsylvania.
- McGann, James G. (2016). "Global Go To Think Tank Index Report", **International and Area Studies Commons**, University of Pennsylvania.
- Ozcan, G. (2009). **Facing its Waterloo in Diplomacy: Turkey's Military in the Foreign Policy-Making Process**, New Perspectives on Turkey.
- Paul, S. (2016). "The Contribution of Research and Study Centers in Public Policy-Making", Policy and Research at the Middle East Institute, Baghdad, Available at: http://www.kas.de/wf/doc/kas_7042-1522-1-30.pdf?050810140439
- Peschek, J. (1987). **Policy-Planning Organizations: Elite Agendas and America's Rightward Turn**, Philadelphia: Temple University Press.
- Rich, A. (2011). "Think Tanks in the Political System of the United States", FriedRich Ebert Stiftung Special Issue, Available at: <http://library.fes.de/pdf-files/bueros/china/08564.pdf>
- Simavoryan Arestakes, (2015). "Strategic Research Centers in Turkey", Centre for Armenian Studies, Noravank Foundation, and Available at: [http://www. Noravank. am/eng/ issues /detail.php ?ELEMENT_ ID=13610](http://www.Noravank.am/eng/issues/detail.php?ELEMENT_ID=13610)

- Teichler, T. (2007). **Think Tanks as an Epistemic Community: The Case of European Armaments Cooperation**, International Studies Association, Chicago
- Taskin, Y. (2013). "Hegemonizing Conservative Democracy", **Turkish Studies**, 14, No. 2.
- Tursan, N. (2009). "Memories, Istanbul: Arma Publication", Available at: <http://www.kitapyurdu.com/kitap/anilar/123758.html>.
- Walker, C. (2016). **Democracy Think Tanks in Action: Translating Research into Policy in Young and Emerging Democracies**, Center for Strategic Research, Institute for National Strategic Studies, Washington.
- Yegin, M. (2012). "Review of Rise of Think Tanks: Foreign Policy and National Security Culture in Turkey", **Insight Turkey**, 14: 3.